

درس سوم: آزادی



ابوالقاسم عارف قزوینی (۱۲۵۹-۱۳۱۲ ه.ش)، شاعر و تصنیف‌ساز اهل ایران بود.

ابولقاسم عارف قزوینی شاعر و تصنیف‌ساز معروف مشروطه است. عارف از شانزده سالگی به شعر روی آورد صدایی خوش داشت و به همین دلیل مورد توجه مظفرالدین شاه قرار گرفت.

با زمزمه‌ی مشروطه به جرگه‌ی آزادی خواهان و شعر موسیقی را به خدمت انقلاب درآورد. ترانه‌های میهنی او قابل توجه است. شعر زیر در قالب غزل از نمونه‌ی اشعار وطنی اوست که به سلطه‌ی بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه به خصوص در بیت آخر اشاره دارد

قالب: غزل اجتماعی درون مایه: آزادی، وطن خواهی نوع ادبی: ادبیات مشروطه
وزن: فاعلتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن بحر: رمل است قافیه: آن ن، ردیف: فعل مضارع است

ناله‌ی مرغ اسیر

ناله‌ی مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس هم چو من است

قلمرو زبانی: مرغ اسیر = مرغی که اسیر قفس است و در اینجا شاعر خودش را به پرنده‌ی اسیر در قفس تشبیه کرده است / مسلک: راه روش، در اینجا منظور زندگی / بهر: برای، حرف اضافه است /

قلمرو ادبی: مرغ مصراع اول، استعاره از شاعر و مرغ مصراع دوم معنی واقعی بنابراین دوواژه‌ی مرغ و مرغ جناس تام دارند / واج آرایبی، تابع اضافات / مصراع دوم: تشبیه / اسیر، گرفتار، قفس: تناسب

توضیحات: شروع بیت اول با عبارت ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است می باشد که ناله مرغ اسیر استعاره‌ای زیبا از شعرو خود شاعر است و از اولین عبارت‌ها عارف وطن دوستی خود را نشان می دهد و همین امر زیبایی آن افزوده است و با توجه قدمت تشبیه روح به پرنده یا مرغ اسیر در دنیا علاوه بر بار اجتماعی غزل بعد عرفانی آن را تقویت می کند

قلمرو فکری: ناله و زاری پرنده‌ی گرفتار (شاعر) به خاطر وطن است، روش پرنده‌ی اسیر در قفس نیز مانند من به خاطر وطن است
مفهوم: وطن پرستی، اندوه و غم وطن

همت از باد سحر می طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

قلمرو زبانی: همت خواستن = کمک خواستن - باد سحر بین شعرا نقش پیام آور عشق را دارد - طرف چمن - کنار چمن
قلمرو ادبی: مصراع اول تشخیص دارد - مصراع دوم کنایه از کسانی که آزاد هستند و از زندان بیرون هستند. / چمن: مجاز از وطن / به طرف چمن: کنایه از آزاد بودن / باد سحر: نماد پیام رسانی

توضیحات: بیت دوم عارف، از باد سحر کمک می خواهد باد سحری که در ادبیات ما همیشه به پیک شادی معروف است و خصوصیت آن این است که در جایی زندانی نمی شود و از همه جا می تواند بگذرد با این وجود شاعر از این چنین نسیمی مطمئن نیست که او هم بتواند خبر گرفتاریش را به دوستانش که در آزادی هستند برساند یعنی از خفقان موجود در جامعه خبر می دهد و استفهام انکاری را با خود دارد ایا باد سحر می تواند خبری از او به دوستان برساند البته که نمی تواند؟

قلمرو فکری: از باد صبحگاهی انتظار دارم که خبر گرفتاری مرا به رفیق که در کنار چمن آزاد است ببرد

فکری ای هم وطنان در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس نکند مثل من است

قلمرو زبانی: بیت ۴ جمله دارد / که حرف تعلیل به معنی زیرا که / هر: از مبهمات است / کس: از مبهمات است، یای آن یای نکره است
قلمرو ادبی: بیت تشبیه دارد /

توضیحات: بیت سوم عارف، در این بیت مردم را به تفکر و اندیشه و امیدوار می‌دارد و کنایه فکری بردارید یعنی کاری بکنید که دعوت به قیام و حرکت از طرف شاعر است و به اضافه این که تفکر کردن و اندیشه نمودن را در خود دارد و سرانجام عدم قیام را این گونه می‌داند که مانند او گرفتار قفس می‌شویم عبارت همچو من است را در بیت اول هم آورده است و یک ردالقایه در بیت هم وجود دارد

اگرچه عشق وطن می‌کشد مرا اما / خوشم بمرگ این دوست خیر خواه من است

قلمرو فکری: ای هم‌میهنان برای آزادی خود چاره‌ای بیاندیشید؛ زیرا هر کس برای آزادی فکری نکند مانند من اسیر می‌شود.

مفهوم: کمک خواستن برای مبارزه سیاسی

خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

قلمرو زبانی: - اجانب جمع مکسر اجنبی به معنی بیگانه - بیت الحزن = خانه ی غم و اندوه (حافظ از بیت الحزن به کلبه ی احزان یاد می‌کند: یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور/ کلبه ی احزان شود روزی گلستان غم مخور) شاعر در این بیت به طور واضح بیگانه ستیزی و مخالفت خود با بیگانگان در امور کشور را بیان می‌کند

قلمرو ادبی: خانه = استعاره از وطن / بیت نلمیح دارد/ تضاد: آباد و ویران / واج آرایبی ک/ مراعات: اشک، ویران، بیت الحزن

توضیحات: بیت چهارم عارف، اگر بیت حاضر را با او مابینت بخوانیم بر زیبایی آن افزوده می‌شود یعنی که اجانب و آباد کردن وطن؟! تکرار گوش نشینی در کلمه خانه بوجود آورده، خانه استعاره زیبایی از وطن است و جایی که امنیت و آسایش را برای اهل آن دارد اما باید این خانه را با اشک ویران کرد چرا که بدست اجانب ساخته شده است واج آرایبی کلمه اجانب روح خباثت و پلیدی را در خود دارد بسیار زیباست این سه بیت آخر بیانیه ظلم ستیزی عارف است

قلمرو فکری: آن کشوری (خانه) که به دست بیگانگان آباد شود، خانه‌ی غم است و باید با اشک آن را ویران کنی

مفهوم: بیگانه ستیزی و عشق به وطن

جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

قلمرو زبانی: جامه = لباس مجازاً وجود، تن - بدر = پاره کن - کم از کفن است = ارزش لباسی که برای آزادی وطن غرق به خون نشود از کفن هم کمتر است.

قلمرو ادبی: جامه = لباس مجازاً وجود، تن - جامه ای بهر وطن غرق به خون شود کنایه از برای آزادی وطن شهید شود، ایثار، جانبازی /

بدر آن جامه: کنایه از بی ارزش بودن / واج آرایبی ن، ک / مراعات: جامه، تن، کفن

توضیحات: بیت پنجم عارف، غرقه به خون شدن بهر وطن کنایه ای از شهادت در راه وطن است و لباسی که همیشه باعث زیبایی است اگر در راه وطن به خون نشود بی ارزش تر از کفن است که بماند که حتی ننگ و عار را بدنبال دارد

قلمرو فکری: آن لباسی که به خاطر حفظ وطن به خونت آغشته و مالیده نشود (به خاطر شهید شدن خون‌آلود نشود) ارزشی کم تر از کفن دارد و باعث بی‌آبرویی است، پس آن را باید پاره کنی.

مفهوم: وطن پرستی، ایثار، و از خود گذشتگی در راه وطن

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو زبانی: مُلک = کشور ایران/ اهریمن = شیطان، ظالم / آن کس: محمد علی شاه / سلیمان کردیم: به پادشاهی رساندن

قلمرو ادبی: بیت تلمیح دارد به داستان حضرت سلیمان که غفلت کرد و انگشتی را که اسم اعظم بر آن حک شده بود و به وسیله ی آن برانس و جن حکومت می‌کرد، گم کرد و یکی از اجنه آن را پیدا کرد و به ظاهر سلیمان در آمد و مدت کوتاهی را حکمرانی کرد تا اینکه لورفت و سلیمان انگشترش را از او گرفت - اهریمن = شیطان استعاره از محمد علی شاه / تضاد: سلیمان و اهریمن / مراعات نظیر: ملک، سلیمان، اهریمن / تشبیه:

ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است: تشبیه محمد علی شاه به اهریمن / سلیمان کردیم: کنایه از به پادشاهی رساندن

توضیحات: بیت ششم عارف، شعر با تلمیحی بسیار رسا از داستان حضرت سلیمان به پایان می‌رسد اگر چه اهریمن واجنبی برای مدتی کوتاه بر تخت شاهی تکیه می‌کند اما عاقبت پیروزی از آن سلیمان است در جایی دیگر بیت جالبی از عارف هست

خراب مملکت از دست دزد خانگی است / زدست غیر چه نالیم که هر چه هست از ماست

قلمرو فکری: آن کسی را که در این کشور مانند سلیمان پادشاه خود کردیم، امروز همه‌ی مردم اطمینان پیدا کردند که او شیطان است.

مفهوم: ظلم و استبداد حکومت قاجار





میرزا محمد فرخی یزدی (تاج الشعرا) (۱۲۶۸ خورشیدی - ۲۵ مهر ۱۳۱۸) (شاعر و روزنامه‌نگار آزادی‌خواه و دموکرات صدر مشروطیت است. وی سردبیر نشریات حزب کمونیست ایران از جمله روزنامه طوفان بود. او همچنین نماینده مردم یزد در دوره هفتم مجلس شورای ملی بود و در زندان قصر فوت کرده است. مدفن او نامعلوم است

قالب: غزل اجتماعی
درون مایه: آزادی، وطن خواهی
نوع ادبی: ادبیات مشروطه
وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن **بحر:** (مضارع مثنیٰ اُخرَب مکفوف محذوف) **قافیه:** غم و کم **ردیف:** نداشت

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

قلمرو زبانی: هرگز: قید نفی (مختص) / آری: قید تاکید / نداشت: ردیف / کم و غم: قافیه /
قلمرو ادبی: تکرار واژه غم، کم، نداشت / صنعت عکس، کم و بیش بیش و کم / تضاد / واج ارایبی: م / دل: مجاز از فکر و اندیشه

قلمرو فکری: هرگز در فکر مال و کم و زیاد بودن مال نبودم. آری من غمی ندارم زیرا در فکر غم و زیاد بودن مال و ثروت نیستم
مفهوم: توصیه به در بند مال دنیا نبودن

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

قلمرو زبانی: صاحب قلم: فاضل / فتد: می افتد
قلمرو ادبی: دفتر زمانه: زمانه تشبیهی / نام از قلم افتادن: کنایه / صاحب قلم: کنایه از دانشمند بودن / تکرار: قلم و مردم /
قلمرو فکری: هر ملتی که مردم فاضل نداشته باشد کم کم از صحنه روزگار حذف خواهد شد
مفهوم: ارزش هر جامعه به داشتن دانشمندان و عالمان آن است

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

قلمرو زبانی: اهل خرد: خردمندان، دانایان
قلمرو ادبی: جامعه: مجاز از مردم جامعه / تکرار: محترم
قلمرو فکری: هر کس که فکر جامعه را محترم نمی دارد، در نزد خردمندان و دانایان محترم نیست
مفهوم: ارزش و اعتبار دادن به مردم جامعه

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی ست که جمشید جم نداشت

قلمرو زبانی: فراغت: آسایش، راحتی / تهی: خالی / جمشید یکی از پادشاهان اساطیری ایرانی است و قدمتی بس کهن دارد. جم: جامی بود که همه جهان در آن دیده می شده است. این جام به جام کی خسرو مشهور بود تا این که در قرن ششم به مناسبت شهرت جمشید و یکی دانستن او با سلیمان، جام مزبور را به جمشید نسبت دادند و آن را جام جم و «جام جمشید» نام نهادند. همچنین، به آن «جام جهان‌نما»، «جام گیتی‌نما»، «آینه گیتی‌نما»، «جام کی خسرو»، «جام جهان‌آرا»، «جام جهان‌بین»، «جام عالم‌بین» نیز گفته می شود
قلمرو ادبی: واج آرایبی: تکرار صامتهای ج و م / تناسب: جیب، مال - جام، می / تلمیح به داستان پادشاهی جمشید / جیب و جام من از مال و می تهی بودن: کنایه از فقیر بودن

قلمرو فکری: با آنکه مال و ثروتی ندارم اما آسایشی دارم که حتی جمشید نیز ندارد
مفهوم: آسودگی در عین فقر

انصاف و عدل داشت موافق بس ولی چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

قلمرو زبانی : موافق : همراه ، هم رای / ثابت قدم : عزم و اراده قوی / ولی : حرف ربط همپایه ساز / بس : بسیار ، قید مقدار

مفهوم : سست بودن مردم در انصاف و عدل

قلمرو فکری : بسیاری با انصاف و عدل موافق بودند ولی هیچکس مانند من همراه و هم رای با اراده قوی نبود

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه «همت» را در بیت های زیر بررسی کنید.

الف) همت اگر سلسله جنیان { محرک } شود مور تواند که سلیمان شود وحشی بافقی

جواب : قصد ، کوشش

ب) همت بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم حافظ

جواب : همت اراده قوی

۲- در بیت زیر، «نهاد» و «مسند» را مشخص کنید.

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت.

جواب : نهاد = هر کس مسند : محترم

۳- در کدام بیت ها، یکی از ارکان جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

جواب : فکری ای هم وطنان در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس { فکری در راه آزادی خویش } نکند مثل من

است حذف به قرینه لفظی

قلمرو ادبی :

۱- کدام یک از ترکیب ها و واژه های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس، هم چو من است.

جواب : مرغ اسیر ، مجاز به علاقه مشابهت (استعاره) از شاعری که زندانی است / مرغ گرفتار قفس : مفهوم حقیقی دارد

ب) بدین شکسته بیت الحزن که می آرد نشان یوسف دل از چه زرخدانش ؟ حافظ

جواب : بیت الحزن : مجاز از دل شاعر

پ) در بیت الاحزان در آمد و نالید؛ چنانچه هر پرند بر بالای سر یعقول بود، بنالید. قصص الانبیا

جواب : بیت الاحزان در آمد : مفهوم حقیقی دارد (بیت الحزن : خانه غم و اندوه ، جای بسیار غم انگیز ، نام کلبه ای که حضرت یعقوب در

غم فراغ حضرت یوسف گریه می کرد

۲- با توجه به بیت های زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

• با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

• در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

الف) درباره تلمیح به کار رفته در بیت اول توضیح دهید.

جواب : جمشید یکی از پادشاهان اساطیری ایرانی است و قدمتی بس کهن دارد. نام او در اوستا و متون پهلوی و متن های دوران اسلامی

آمده است. در اسطوره های ایرانی کارهایی سخت بزرگ به او نسبت داده شده است. جمشید در شاهنامه، فرزند تهمورث و شاهی فرهنگمند است

که سرانجام به خاطر خردبینی و غرور فره ایزدی را از دست می دهد و به دست ضحاک کشته می شود.

ب) مصراع های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.

جواب : جیب و جام من از مال و می تهی است : کنایه از فقیر بودن

جواب : در دفتر زمانه فتد نامش از قلم : کنایه از نابود شدن ، از بین رفتن

قلمرو فکری:

۱- شعر آزادی، نمونه ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت های زیر را بنویسید.

• آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو فکری: آن کسی را که در این کشور مانند سلیمان پادشاه خود کردیم، امروز همه ی مردم اطمینان پیدا کردند که او شیطان است.

مفهوم: ظلم و استبداد حکومت قاجار

خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت الحزن است

قلمرو فکری: آن کشوری (خانه) که به دست بیگانگان آباد شود، خانه ی غم است و باید با اشک آن را ویران کنی

مفهوم: بیگانه ستیزی و عشق به وطن

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طرف چمن است جواب: یاران و دوستان شاعر

ب) مردم صاحب قلم جواب: خردمندان و فاضلان

۳- به غزل هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرخی یزدی می توان نمونه های آن را یافت. از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

جواب: شعر آزادی یک غزل اجتماعی است زیرا شاعر در آن به گرفتاری ها و مصایب جامعه پرداخته است. شاعر در بیت اول به ناله و فغان خود در باره جامعه می پردازد. در بیت دوم از دیگران استمداد می خواهد. و می خواهد مردم فکری به حال آزادی خود بکنند. در بیت چهارم شاعر به بیگانه ستیزی می پردازد و در آخر توصیه به جانفشانی در راه وطن می کند.

۴- فرخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می کند؟

جواب: طرفدار جدی انصاف و عدل، با اراده

۵- با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

جامه ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است عارف قزوینی

فرخی ز جان و دل می کند در این محفل دل نثار استقلال، جای فدای آزادی فرخی یزدی

جواب: توصیه به ایثار و جانبازی در راه وطن

گنج حکمت: خاکریز عیسی سلمانی لطف آبادی

نام: عیسی

نام خانوادگی: سلمانی لطف آبادی

فرزند: موسی متولد: ۱۳۳۷

فارغ التحصیل: فوق لیسانس رشته تاریخ سیاسی ایران

نثر: ساده

لحن: روایی

مفهوم: اهمیت ایمان و توکل برای رسیدن به هدف

در لحظات اول عملیات که خطوط دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاح های زیادی قله را در دست داشت. شهید ساجدی با توجه به این که نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریز دو جداره را تنها راه حل می دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث می گردید ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می گفت: «خاکریز را صبح تحویل می دهیم.»

قلمرو زبانی: ارتفاعات: بلندی ها / موسوم: نامگذاری شده، داغ گذاری شد. / ارتفاع کله قندی در شمال مهران و در کنار تنگه کنجان چم قرار گرفته است / استقرار: مصدر باب استفعال به معنی محل قرار گرفتن / روحیه خود را نباخته: وجه وصفی {وجه وصفی این است که فعل به جای این که یکی از صیغه های صرفی باشد به صورت صفت مفعولی بیاید؛ به دو جمله زیر و تفاوت آن ها از نظر ظاهری توجه کنید: دوستم از راه رسید و با همه احوالپرسی کرد. - دوستم از راه رسیده با همه احوالپرسی کرد. معنای این دو جمله کاملاً یکسان است اما از نظر ظاهری در جمله اول، فعل به طور کامل (رسید) و در جمله دوم به صیغه صفت مفعولی یا وجه وصفی (رسیده) آمده است و در عین حال در جمله نخست یک حرف «واو» ربط هست که در جمله دوم نیست.}

خاکریز: مرکب از خاک + ریز = اسم مرکب / جداره: دیوار / خیلی سخت: خیلی = قید قید / به ویژه: قید

مفهوم: این عبارات: تحمل کارهای سخت و ناممکن با تکیه بر ایمان به خدا و توکل بر او

عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت - نه کیلومتری به پایان می رسید و خاکریزی که توسط دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمنده ایجاد کرد اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی کرد. او پیش بینی می کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات رو به رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش گرفتن بچه ها می رفت؛ به همین دلیل مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دو جداره یاد می شود، احداث نمود.

آن روز با تدبیر حساب شده ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کرده و به پیروزی برسند.

قلمرو زبانی: راس: سر کرده، فرمانده، رهبر / جهادگر: صفت فاعلی / آتش: تیر و خمپاره

قلمرو ادبی: آتش: مجاز

قلمرو فکری: اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمنده ایجاد کرد **مفهوم:** رسیدن به هدف موجب تقویت روحیه می شود.

روایت سنگرزازان ۲، عیسی سلمانی لطف آبادی

مفهوم بقیه عبارت: اهمیت عاقبت اندیشی و درست اندیشی